



زیستن بدون اندیشیدن معنی ندارد/ غفلت یعنی فرورفتن در روزمرگی

چهره ماندگار فلسفه گفت: زیستن بدون اندیشیدن در انسان معنی ندارد. زیستن انسان همان اندیشیدن اوست. انسان باید لحظه‌هایی خود را از روزمرگی خارج کند و به هستی درون خود بیاندیشد.

چهره ماندگار فلسفه گفت: زیستن بدون اندیشیدن در انسان معنی ندارد. زیستن انسان همان اندیشیدن اوست. انسان باید لحظه‌هایی خود را از روزمرگی خارج کند و به هستی درون خود بیاندیشد.

به گزارش خبرنگار مهر، غلامحسین ابراهیمی دینانی، عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران و چهره ماندگار فلسفه در برنامه معرفت؛ گفت: «ما به خود نیندیشیم، به مبدأ و معاد خود فکر نکرده‌ایم. اینک منشأ پیدایش من چه بوده است، سرانجام من چه خواهد بود، من خودم چه کسی هستم، جایگاه من در عالم هستی چیست، من یک جمادم، یک حیوانم، یک نباتم و یا یک موجودم مانند سایر موجودات یا یک موجودی هستم که می‌توانم با اندیشه و ادراک، بر موجودات احاطه داشته باشم؟ اگر انسان به اینها فکر نکند، یک موجودی می‌شود مثل سایر موجودات دیگر.

وی افزود: وقتی انسان از صبح تا شب و از بام تا شام به امور روزمره مبتذل اشتغال داشت، فرصت بررسی هستی خودش را ندارد؛ پس انسان باید لحظه‌هایی خود را از روزمرگی خارج کند و به هستی درون خود بیاندیشد.

عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران تصریح کرد: اگر کسی روزمرگی که همان بحران هویت است، پیدا کند یعنی از آغاز تا آخر عمر، لحظه‌ای به خود نیندیشد، به مبدأ و معاد خود فکر نکرده است. اینک منشأ پیدایش من چه بوده است، سرانجام من چه خواهد بود، من خودم چه کسی هستم، جایگاه من در عالم هستی چیست، من یک جمادم، یک حیوانم، یک نباتم و یا یک موجودم مانند سایر موجودات یا یک موجودی هستم که می‌توانم با اندیشه و ادراک، بر موجودات احاطه داشته باشم؟ اگر انسان به اینها فکر نکند، یک موجودی می‌شود مثل سایر موجودات دیگر.

ابراهیمی دینانی ادامه داد: انسانی که به غرض و غایت هستی واقف نیست و خود را نمی‌شناسد و دارای اختیار هم است، تنش ایجاد کرده، هویت را دچار آشوب می‌کند و دچار بی‌هویتی، اغتشاش و آشفتگی می‌شود.

وی با بیان اینکه انسان چیزی جز نگرش نیست، گفت: زیستن اندیشیدن است، انسان اگر نیندیشد، زیستنش چه معنایی دارد؟ زیستن انسان اندیشیدن است. زیستن بدون اندیشیدن در انسان معنی ندارد. زیستن انسان همان اندیشیدن اوست.

این استاد دانشگاه با اشاره به یکی از آیه‌های قرآن کریم خاطرنشان کرد: انسان اگر آبله شود، از حیوان بدتر می‌شود. غفلت یعنی فرورفتن در روزمرگی و به هستی خود نیندیشیدن. کسی که به هستی خود آگاه شود، دچار غفلت روزمرگی نمی‌شود.

به گفته ابراهیمی دینانی، روزمرگی پریشانی می‌آورد و انسان مست و مبتذل می‌شود. روزمرگی خطر زندگی انسان است.

چهره ماندگار فلسفه ادامه داد: انسان یک اعتقادات و تعلقاتی دارد. تعلقات می‌تواند درونی و بیرونی باشد. تعلقات بیرونی، پول، مال و مقام است، اما اعتقادات درونی است. اعتقاد از عقل یعنی بسته شدن می‌آید. اعتقادات چون بسته می‌شود، ما را نگر می‌دارد. هم اعتقادات شما را نگر می‌دارد، هم تعلقات. اگر اعتقادات خوب باشد، چه بهتر. اما آدم‌هایی هم هستند که اعتقادات بیهوده دارند. تعلقات از بیرون انسان را نگر می‌دارد و اعتقادات از درون. آنچه می‌توان انسان را از این بندهای آهنین نجات بخشد و به معقولیت و منطق راهنمایی کند، آزادی است. اگر شما خود را آزاد بیابید، می‌توانید از قید اعتقادات باطل رها شوید؛ البته آسان نیست.

وی افزود: کلمه «آزادی» و «اختیار» مصداق واحد دارند؛ دو معنی دارند اما مصداقشان واحد است. آزادی بدون اختیار و اختیار بدون آزادی معنی ندارد.

ابراهیمی دینانی با اشاره به یکی از اشعار مولانا گفت: بند را بگسل، گسستن بند با اختیار است، چون مختاری، می&zwnj؛توانی بند بگسلی. وقتی که بند گسسته شد، آزادی&zwnj؛ات ظاهر می&zwnj؛شود. معنی&zwnj؛اش این است که با آزادی، آزادی را به دست می&zwnj؛آوری. آزادی را با آزادی تقویت می&zwnj؛کنید.

عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران با بیان اینکه انسان چون آزاد است همیشه تازه است، تصریح کرد: اگر انسان آزاد نبود، کهنه می&zwnj؛شد. انسان با آزادی هر لحظه نو و تازه است، انسان آزاد کهنه نمی&zwnj؛شود.

وی ادامه داد: انسان در طول عمرش تجربه به دست می&zwnj؛آورد، از هر تجربه&zwnj؛ای می&zwnj؛توان چیزی آموخت. اگر مرتب تجربه کنی، مرتب تازه&zwnj؛ای. با هر تجربه&zwnj؛ای تازه باشید. با اختیار تجربه کنید و با هر تجربه&zwnj؛ای، اختیار جدیدی به دست بیاورید.

ابراهیمی دینانی اظهار داشت: آزادی در پرتو عقل معنی دارد، اما این آزادی گاهی ممکن است از زیر سیطره عقلانیت بیرون برود؛ خطر اینجاست. آزادی به همان اندازه که عظمت دارد، به همان اندازه می&zwnj؛تواند خطرناک باشد. اختیار به همان اندازه که عظمت دارد، به همان اندازه می&zwnj؛تواند خطرناک باشد. آزادی اگر با عقلانیت همراه شد، مطلوب و زیباست. اگر آزادی با عقلانیت ناسازگار بود و از زیر سیطره فرد با عقلانیت بیرون رفت، آن وقت پیش از آنکه آزادی باشد، هرزگی است. آزادی مبتذل و آزادی حیوانی است.

این استاد دانشگاه گفت: شیطان آزاد بود که این بلا سرش آمد، شیطان با اختیار سجده نکرد؛ یکمرتبه و یک لحظه از عقلانیت خارج شد و سجده نکرد؛ آن هم آزادی بود، اما آزادی چه بلایی به سرش آورد. آزادی به همان اندازه که عظمت و منافع دارد، می&zwnj؛تواند خطر هم داشته باشد.

وی در پایان خاطرنشان کرد: این آشفتگی که امروز در جوامع بشری یک&zwnj؛شبه است، خطرناک است. آرامش و آسایش را از بشر سلب کرده است. دلیلش هم این است که بیش از حد مشغول بیرون هستند و از درون غفلت کرده&zwnj؛اند. اگر درون را حفظ کردند و مانند بیرون یک سیل در درون هم داشتند، این آشفتگی پیش نمی&zwnj؛آمد. تنها راهی که می&zwnj؛تواند از این خطر جلوگیری کند، این است که انسان&zwnj؛ها به باطن و معنویت خود یک سری بزنند. معنویت نوری است که انسان را از این خطر نجات می&zwnj؛دهد.